



"کودک همسری" در هر شرایطی "خشونت" است!

ایستادگی و مبارزه با "کودک همسری" وظیفه‌ی هر انسانی است که هم‌اینک در این کره‌ی خاکی زندگی می‌کند و نسبت به خویش و فرزندان خویش، به ویژه نسبت به جامعه‌ی خویش احساس مسئولیت می‌کند.

جامعه‌ی جهانی در عرصه‌های علمی و تکنولوژی با شتابی حیرت‌آور، توانمند شده است و آنچنان باورمند حرکت می‌کند که موانع را یکی پس از دیگری با خود می‌شوید و به دور می‌افکند. پیشرفت‌ها در شاخه‌های پزشکی و مهندسی و کشاورزی باورنکردنی است، ربات‌ها در کارخانه‌های صنعتی غوغا می‌کنند، تصاویر سیاه‌چاله‌های فضایی و تصاویر از سیاره‌های منظومه‌ی خورشیدی، نشان از پیشرفت شگفت‌انگیزی است که در عرصه‌ی فضایی و تسخیر فضا انجام گرفته است، استفاده از ابزارهای پیشرفته‌ی ارتباطی به ویژه شبکه‌های اجتماعی با تلفن‌های همراه روز به روز گسترش می‌یابد. در حالی که پنجاه سال پیش، داشتن تلفن‌های خانگی رویای بیش از هشتاد درصد ساکنان کره‌ی خاکی بود، هم‌اینک داشتن تلفن همراه به پدیده‌ای پیش پا افتاده تبدیل شده است، دامنه‌ی این گسترش حتی به گدایان سر چهارراه‌ها و گدایان مترو در پاریس نیز رسیده است! به طوری که اگر بخواهید سکه‌ای به گدایی در پاریس بدهید و در ضمن بخواهید با او احوالپرسی کنید و همان لحظه موبایل او زنگ بزند، باید منتظر بمانید تا مکالمه‌ی تلفن ایشان پایان پذیرد! به این موضوع اشاره کردم تا دانسته شود اگر جامعه‌ی جهانی در عرصه‌های تکنولوژیکی پیشرفتی چشم‌گیر کرده است، اما در مناسبات اجتماعی و روابط میان فردی انسان‌ها، هیچ گامی به سوی رشد و پیشرفت برنداشته است! این تعارض را می‌توان آشکارا در "کودک همسری" یا "ازدواج کودکان" دید. افسوس باید خورد که "کودک همسری" یکی از پس‌مانده‌ترین مناسباتی است که در جامعه هنوز وجود دارد و "ازدواج کودکان" زیر چتر قانون‌های ضد انسانی، همچنان ادامه دارد!

کشور ایران، زیر سیطره‌ی جمهوری اسلامی زن‌ستیز که نماینده‌ی سرمایه در جغرافیای ایران است، شورای نگهبان با طرح "مقابله با کودک همسری"، مخالفت شدید کرد، شورای نگهبانی که بدون اجازه‌ی رهبر، آب نمی‌نوشد و با همدستی یکدیگر سیاست‌های کلان کشور را تعیین و اجرا می‌کنند، تصمیم گرفتند که "ازدواج کودکان" همچنان قانونی باقی بماند.

"خشونت"، فقط شلاق زدن و اعدام و... نیست، بلکه قانونی کردن ازدواج با کودکان، یکی از انواع خشونت‌های نهادینه شده است که توسط دولت و حکومت جمهوری اسلامی، تار و پود جامعه را برای رسیدن به منافع کوتاه

مدت خویش، از هم گسسته است که آسیب‌های اجتماعی پنهان آن، پس از مدتی کوتاه جلوه خواهد کرد و جامعه را با ناهنجاری‌ها و ناسازگاری‌های بی‌شمار دیگری روبرو خواهد ساخت.

اگر خرد، توانایی انسان در به کارگیری دانشی است که به هر روشی به دست آورده است، طبیعی است که انسان اجتماعی در برابر این نوع طرح‌های زن‌ستیز واکنش نشان دهد و مخالفت خود را با رفتار و گفتار خویش در بستر جامعه بیان کند. شگفتا که هیچ صدا یا واکنشی نسبت به "کودک همسری" شنیده نمی‌شود! بی‌شک باید گفت که جامعه‌ی انسانی وظیفه دارد نه تنها با "کودک همسری"، بلکه با حجاب اجباری نیز مبارزه کند، چراکه همه‌ی قوانینی که علیه زن در نظام جمهوری اسلامی تصویب و اجرا می‌شود، بر خلاف کسانی که تصور می‌کنند این قوانین به باورهای مذهبی سرمداران حکومتی مربوط است، بستری برای تثبیت حاکمیت برای عقب‌نگه داشتن جامعه و پیرو آن، چپاول منابع طبیعی و انسانی است و سرانجام، برای باقی ماندن در حکومت است تا نظم سرمایه را در کشور ایران حفظ کنند.

ساسان دانش

۲۳ نوامبر ۲۰۱۸

دوم آذر ماه ۱۳۹۷